

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۲۷۳-۲۹۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1942025.2352](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1942025.2352)

تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی

کوروش جمشیدی^۱، دکتر علی اصغر بوندشهریاری^۲، دکتر مرتضی حاجی مزدرانی^۳، دکتر

امیرحسین ماحوزی^۴

چکیده

میهن‌دوستی پدیده‌ای است که در سده اخیر بر ادبیات معاصر، تأثیر ویژه‌ای داشته است. عارف قزوینی و فرخی یزدی، نمونه‌ای از شعرای معاصر هستند که میهن‌دوستی در شعر آن‌ها جلوه خاصی دارد. شعر تاجیکستان نیز به دلیل تهاجم اقوام بیگانه و سال‌ها، سیطره کمونیسم، نیاز به دمیدن روحی تازه از غرور ملی و میهن‌دوستی دارد تا در جهت حفظ وحدت ملی و نیل به توسعه، به یاری قوم تاجیک بیاید. لایق شیرعلی، شاعر ملی تاجیکستان و یکی از شاخص‌ترین چهره‌های اشعار میهن‌دوستانه است که در سروده‌هایش، عشق به میهن و وطن خود را نشان داده است. مقاله حاضر به روش توصیفی با رویکرد تحلیل محتوا، به بررسی تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی شاعر وطن‌پرست، پرداخته است. جنبه‌های مختلف میهن‌دوستی در شعر لایق شامل یادکرد گذشته باشکوه قوم تاجیک، اهمیت زبان فارسی به عنوان زبان مادری، تأثیرپذیری از شاهنامه، دعوت به صلح و اندیشه‌های جهان‌وطنی می‌باشد. نویسندگان با تکیه بر اندیشه صاحب‌نظران، اشعار لایق را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که اندیشه‌های میهن‌دوستانه لایق، ریشه‌های عمیق انسان‌دوستانه دارند. لایق، خواهان صلح، پیشرفت، برابری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همه ملت‌های جهان است و این آرمان، زمانی محقق خواهد شد که هر انسانی به ارزش‌های ذاتی خودش پی ببرد؛ بنابراین لازمه صلح جهانی از دیدگاه لایق شیرعلی، خودشناسی و خودآگاهی فردی است.

کلیدواژگان: تاجیکستان، تحلیل و بررسی، دیوان اشعار، میهن، لایق شیرعلی.

^۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

^۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه

آنچه هویت انسان را تثبیت می‌کند، پابندی به فرهنگ و تاریخ اندیشه سرزمینش می‌باشد. انسان بدون احساس وابستگی به وطن مألوف، به بحران هویت دچار خواهد شد. البته منظور از وطن، صرفاً سرزمینی با جغرافیای مشخص نیست؛ بلکه شامل همه میراث مادی و معنوی و انسانی آن است. سرزمین تاجیکستان با توجه به اینکه در درازنای تاریخ، بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ و تمدن چند هزارساله ایران کهن بوده، از این حیث دارای شکوه و اعتبار ویژه‌ای در پهنه گیتی است.

احساس وابستگی و عشق به سرزمینی که در آن ریشه داریم در درازنای تاریخ، همواره با انسان، همراه بوده است. در اعصار گذشته، مفهوم وطن، بیشتر به شهر یا منطقه‌ای اطلاق می‌شد که افرادی با اشتراکات قومی، زبانی و فرهنگی در کنار همدیگر زندگی می‌کردند؛ اما در سده اخیر، مفهوم وطن از نظر معنایی، دچار تغییراتی شده؛ در نتیجه، مقوله میهن‌دوستی نیز تحول یافته است. امروزه، ایجاد حس میهن‌دوستی در قلب و ذهن شهروندان برای ساختن جامعه‌ای با روحیه و کشوری باثبات، امری حیاتی محسوب می‌شود.

مقاله حاضر به بررسی تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی شاعر وطن‌پرست، اختصاص دارد. وطن‌دوستی یا عشق به میهن، یکی از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های اشعار شاعران متعهد و وطن‌پرست را تشکیل می‌دهد، شاعری که از هنر شاعری خود به‌عنوان وسیله‌ای در راستای بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی میهن، بهره برده و تمامی تلاش و کوشش خود را در این زمینه و برای رسیدن به این هدف مقدس به کار بسته‌اند. نویسنده در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، ضمن واکاوی اشعار لایق شیرعلی، در پی آن است که اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق را تحلیل کند و به این پرسش پاسخ دهد که اندیشه‌های میهن‌دوستانه در شعر لایق علی به چه شیوه‌هایی بیان شده است؟ و جنبه‌های وطن‌دوستی در اشعار لایق شیرعلی چگونه است؟

اهمیت موضوع میهن‌دوستی در سرزمین‌هایی که در طول تاریخ، مورد تهاجم اقوام بیگانه قرار گرفته‌اند و میراث تاریخی آنان در معرض نابودی قرار گرفته، دو چندان می‌شود. بنا به همین احساس نیاز، شعرا و ادبای معاصر با زبان شعر و ادب کوشیده‌اند در راه تقویت حس وطن‌دوستی در میان ملل خود گام‌هایی بردارند. در ادبیات معاصر فارسی کسانی چون فتحعلی

آخوندزاده، میرزاده عشقی و ملک‌الشعراى بهار، نخستین گام‌ها را برداشتند. از اوایل قرن بیستم میلادی، مقوله میهن‌دوستی در یکی از سرزمین‌های هم‌زبان ما، تاجیکستان نیز به تدریج اهمیت خود را بازیافت. ملت تاجیک در طول تاریخ، سرنوشت مشترکی با ایران به‌عنوان سرزمین مادر داشته‌اند، لذا پژوهش در اشعار میهنی سروده شده در این سرزمین، شایان بررسی می‌باشد. پیش‌ملی‌گرایی و میهن‌دوستی در تاجیکستان با آثار احمد دانش بخارایی (۱۸۹۷ - ۱۸۲۷) از اواسط قرن نوزدهم آغاز شده و در اوایل قرن بیستم با عطف توجه صدرالدین عینی (۱۹۴۵ - ۱۸۷۸) در کتاب نمونه ادبیات تاجیک ادامه یافت (عینی، ۱۹۲۶: ۵۷-۵۳). از نیمه‌های قرن بیستم، تاجیک‌ها بیش از پیش به اهمیت مسأله ملی‌گرایی و وطن‌دوستی پی بردند و بیشتر شاعران این جمهوری آسیای میانه، اشعار ملی و میهنی سروده‌اند.

پیشینه تحقیق

در زمینه وطن‌دوستی پژوهش‌های زیر به‌دست آمد:

- خدایار (۱۳۹۷)، در مقاله «دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال (۱۸۷۰-۲۰۱۵م)»، به این نکته اشاره کرده است که ادبیات معاصر تاجیک در دوره معاصر از معارف پروری تا استقلال، هشت لحظه تغییر را از سر گذرانده است و مهم‌ترین ویژگی دو دوره نخست ادبیات نوین تاجیک، تلاش برای روشنگری و تجددگرایی در محتوا بوده است. در این دو دوره، زبان نوآیین فارسی تحت تأثیر تحولات دنیای جدید در جهان فارسی‌زبان و منطقه شکل گرفت و در دوره شوراهای با تغییر نام به تاجیکی و عامیانه‌گرایی به حیات خود ادامه داد.

- خدایار (الف ۱۳۹۸) مقاله‌ای به نام «تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معارف پروری تا استقلال و خودآگاهی ملی» در مجله متن پژوهی ادبی منتشر کرده است. نویسندگان در این پژوهش ضمن یادآوری نقش ورارودان باستان، در شکل‌دهی به زبان و ادب فارسی و هویت‌بخشی به آریایی‌تباران و فارسی‌زبانان و ذکر خلاصه‌ای از تاریخ این ناحیه، بر اساس نگاه تاریخی، مفهوم وطن را ذیل چهار دوره کلی از سال ۱۸۰۷ تا ۱۹۹۱ میلادی بررسی کرده‌اند.

- محمدی بدر، یزدانی و علی اکبرزاده، (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تحول مضمون «عشق به وطن» در شعر معاصر تاجیکستان»، به خاستگاه تاجیکان و پیشینه ادبی این سرزمین پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم وطن در هر دوره از ادبیات معاصر این سرزمین، در حوزه

معنایی خاصی قابل بررسی است. در دوره تسلط شوروی سابق، تحت تأثیر مکتب رئالیسم سوسیالیستی، مقصود از وطن، سرزمین بزرگ شوراهای-اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی- است، به‌ویژه در دوره جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م-۱۹۴۱م)، اما مضمون فوق، پس از فروپاشی شوروی (از ۱۹۹۱م) و از بین رفتن سانسورهای حکومتی، اندک‌اندک دارای مفاهیم گسترده‌تری شده است.

-ابراهیم خدایار (۱۳۹۸ب) در مقاله‌ای به نام «تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری بانوی تاجیک، گل‌رخسار صفی‌آوا»، به این نتیجه رسیده است که شاعر در وطن فرهنگی که آن ویژه دستگاه اندیشگانی این شاعر است و با تکیه بر شاهنامه به تلقی جدیدی از وطن دست‌یافته و در این تلقی که ارتباط وثیقی با وطن تاریخی دارد، تمام فارسی‌زبانان در جایی به نام شاهنامه جا می‌گیرند و هم‌وطن می‌شوند.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت می‌گیرد و نوآورانه است.

روش تحقیق

نویسندگان در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، ضمن واکاوی اشعار لایق شیرعلی، در پی آن هستند که اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق را تحلیل کنند.

مبانی تحقیق

مفهوم وطن

وطن در لغت، به‌معنای محل اقامت و سکونت اطلاق می‌گردد. در ایران تا پیش از مشروطه، وطن معمولاً در معنی محل زادگاه و شهر هر فرد به‌کار می‌رفت که نمونه‌های فراوانی را در همین معنی می‌توان در آثار شاعران کلاسیک ایران یافت؛ هم‌چون شهر شیراز در آثار سعدی و حافظ:

من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش در عشق دیدن تو هواخواه غریتم
(حافظ، ۱۳۸۰: ۳۱۳)

«امروزه واژه وطن، مفهوم گسترده‌ای دارد که می‌توان آن را به چهار وجه، وطن اسلامی، قومی و نژادی، اقلیمی و عرفانی تقسیم کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۷۴). وطن قومی و نژادی به «مرزهای جغرافیایی دربرگیرنده قومی با حقوق سیاسی و شهروندی یکسان» (آجودانی، ۱۳۸۳: ۱۷۴) گفته می‌شود. این مفهوم از وطن و توجه به هویت‌های ملی، معمولاً در برخورد با حوادث مهم تاریخی و به‌خطر افتادن منافع ملی، حساسیت بیشتری پیدا می‌کند.

وطن عرفانی نیز، یکی دیگر از مفاهیم وطن در گذشته است که بر پایه اعتقادات دینی و عرفانی، شکل گرفته است و با تعابیری چون عالم قدس، فردوس برین و باغ ملکوت از آن یاد شده است. «شعر وطنی، شعری است پیرامون مشکلات و مسائل سیاسی و اجتماعی که عشق و اشتیاق انسان به وطن را به تصویر می‌کشد. این نوع ادبی در روزگار بروز حوادث و اتفاقات سیاسی و اجتماعی زمینه ظهور می‌یابد و انواع متعددی دارد. حزن و اندوه شاعری که از وطن دور افتاده است؛ فخرفروشی و مباحثات به تاریخ وطن و مردمانش؛ دفاع از مرزهای وطن و ...» (ناصیف، ۱۹۹۲: ۹).

ابراهیم خدایار در مقاله تحوّل مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک، بر این است که: «عطف توجه به مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک، نخستین بار، در آثار احمد دانش بخارایی (۱۸۹۷ – ۱۸۲۷ م) بنیانگذار نهضت معارف‌پروری و روشنگری در حوزه خان‌نشین بخارا آغاز شد؛ اما به دلایل مختلف از جمله عقب‌ماندگی نظام دولتمداری ماوراءالنهر، موانع ایجاد شده از سوی حاکمیت تزار روسیه و نبود رسانه همگانی از جمله: روزنامه و مجله و تلاش روشنفکران بخارا، گسترش این اندیشه را عقیم گذاشت» (خدایار، الف ۱۳۹۸: ۲۷).

وی همچنین بر اساس نگاه تاریخی، مفهوم وطن را در ادبیات معاصر تاجیک، ذیل چهار دوره کلی به شرح زیر بررسی کرده است:

۱. معارف‌پروری / روشنگری (۱۹۰۵ – ۱۸۰۷ م). ۲. تجدّد گرایی (۱۹۱۴ – ۱۹۰۵ م). ۳. ادبیات شورایی (۱۹۹۱ – ۱۹۱۷ م). ۴. استقلال و خودآگاهی ملی (۱۹۹۱ تاکنون).

در نیمه دوم قرن بیستم با روی کار آمدن خروشچف و تلاش وی برای زدودن سیاست‌های سخت‌گیرانه دوران استالین، فضا برای پرداختن به فعالیت‌های ملی و میهنی از جمله، پرداختن به مقوله زبان مادری در جمهوری‌های تابعه در قالب وطن بزرگ‌تر شوروی سوسیالیستی مهیا شد. در این دوره، شاعران تاجیک، هم‌چون بازار صابر، مؤمن قناعت، گلرخسار صفی‌آوا و لایق

شیرعلی، اشعار میهنی زیبایی سرودند.

مقوله وطن و وطن دوستی با جان و روح لایق سرشته بود. به گفته خودش، شعر و سخنش، بوی وطن می‌داد و فراتر از این، هدف از شعر گفتن و شاعری را وطن‌داری می‌دانست و شعر را زمانی ارزشمند می‌دانست که بی‌وطنی را به سوی وطن دوستی سوق دهد.

آید از شعر و سخن بوی وطن بی‌نم از روی سخن روی وطن
هر که نیرومند باشد در هنر تکیه دارد گو به نیروی وطن
شاعری اصلاً وطن‌داری بود نه سخن بافی به هر کوی وطن
شاعری آن است که با سوق شعر بی‌وطن را آورد سوی وطن
(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۲۷۵)

وطن پرستی

وطن دوستی یا عشق به میهن یکی از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های اشعار شاعران متعهد و وطن پرست را تشکیل می‌دهد، افرادی که از هنر شاعری خود به‌عنوان وسیله‌ای در راستای بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی میهن بهره برده و تمامی تلاش و کوشش خود را در این زمینه و برای رسیدن به این هدف مقدس به کار بسته‌اند. «با توجه به اعتقاد اسلام به جهان وطنی اسلامی (انترناسیونالیسم) نه به وطن به معنای سرزمینی واحد و مستقل، مفهوم وطن در میان کشورهای اسلامی زاینده قرون جدید است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۶).

بنابراین باید پذیرفت که شعرهای وطن دوستی در خاورمیانه به معنای امروزی آن عملاً بعد از جنگ جهانی اول و دوم، فروپاشی دولت عثمانی و روی کار آمدن دولت‌های وطنی و ملی رشد و گسترش یافته است. «در ایران بر اثر پیدایش نهضت مشروطه، حس همبستگی ملی در میان مردم شکل گرفت و بر پایه آن، عشق به وطن به‌عنوان تعلق به سرزمین یا کشوری واحد به وجود آمد، در مصر و سایر کشورهای عربی نیز وطن در دوره معاصر مفهوم جدیدی به خود گرفت» (نجاتی، ۱۳۵۱: ۳۵). البته گاه‌گاهی به علت پدیده غرب زدگی عشق به وطن در شعر شعرا به جهت‌های نادرست کشیده شده است.

زندگینامه لایق

لایق شیرعلی، شاعر بزرگ معاصر تاجیک، بیست می سال ۱۹۴۱ م. در ده مزارشریف واقع در شهرستان پنجکنت تاجیکستان، زاده شده است. او سال ۱۹۵۴ پس از ختم مکتب هفت‌ساله

در ده مزارشریف به آموزشگاه آموزگاری شهر پنجکنت داخل شده، سال ۱۹۵۸ آن را ختم کرد. تحصیل در دانشسرا، راه آینده او را تعیین نمود. او با مصلحت و پشتیبانی برادر فاضلش، قاری شریف، سال ۱۹۵۹ به شهر دوشنبه آمد و به دانشکده زبان و ادب و تاریخ دانشگاه آموزگاری، داخل شد و سال ۱۹۶۳ آن را به پایان رساند. پس از این، نخست به حیث محرر شعبه ادبی رادیو تاجیکستان و سپس کارمند ادبی روزنامه کمسمول تاجیکستان^۱، مدیر بخش و نظم مجله صدای شرق نشریه اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، فعالیت می‌کند.

او از سال ۱۹۶۵، عضو اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی گردید. باید یادآور شد که در آن سال‌ها، مطابق رسم و قاعده معمول، هر ادیب که می‌خواست عضو اتحادیه نویسندگان شود، باید تا آن دم، حتماً کم‌کم، یک مجموعه، چاپ کرده باشد؛ ولی با نظر داشت استعداد روشن لایق جوان و اصرار استاد میرزا ترسن‌زاده، او را بدون هیچ مجموعه‌ای به‌طور استثنا و از قاعده بیرون، به عضویت اتحادیه نویسندگان پذیرفتند. استاد لایق به همه جمهوری‌های سابق شوروی و همچنین به ایالات متحده آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا، یوگسلاوی، فرانسه، بلغارستان، چکسلواکی، ایران، سوریه، لبنان، هندوستان، غنا، افغانستان، چین، پاکستان و غیره، سفرهای خدمتی داشتند. او همچنین عضو کمیته مرکزی جمهوری تاجیکستان و نیز نماینده شورای عالی اتحاد شوروی بود (۱۹۸۸-۱۹۹۱). وی در سال ۲۰۰۰، ساعت دوازده، بر اثر بیماری سکنه مغزی، چشم از جهان فرو بست. تشییع جنازه آن گرانمایه، یکم ژوئیه با حضور هزاران نفر از دوستان و اقربان برگزار و پیکر پاکش در آرامگاه لوچاپ شهر دوشنبه در پهلوی بزرگان ادب و هنر تاجیکستان دفن شد. بیت زیر را خود استاد در سال ۱۹۹۸ برای سنگ مزارش وصیت کرده بود:

در روی زمین نمائند مأمَن ای گُور، درود بـادَت از مَن
(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۱۹)

بحث

جایگاه زبان و ادبیات فارسی در تاجیکستان

ادبیات تاجیک، بخشی از ادبیات کهنسال و غنی زبان فارسی است که در سرزمین اهورایی فرارود در تاجیکستان ریشه دوانده است و با گل‌های رنگارنگ و خوش‌بوی بوستانش، چشم هر مشتاقی را به خود خیره می‌سازد. «این قطعه از سرزمین شعر و ادب آریایی، در قرن شانزدهم، از پیکره واحد ایران زمین جدا شد» (بوند شهریاری، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

زبان مردم تاجیکستان تا تصرف تاجیکستان به وسیله روسیه، فارسی بود؛ اما در دوران اتحاد جماهیر شوروی در راستای سیاست جداسازی هویت فرهنگی ماوراءالنهر از جهان فارسی‌زبان، به‌ویژه ایران، نام این زبان را از فارسی به تاجیکی تغییر دادند.

تمایل حاکمان روسیه تزاری و پس از آن رهبران شوروی که گرایش پان‌ترکیسم نیز آن را همراهی می‌کرد، همواره بر جداسازی میان این دو پاره ایران فرهنگی و جعل یک هویت جدید، عاری از نشانه‌های ایران فرهنگی، برای ورارودان و به‌ویژه، سرزمین‌های تاجیک‌نشین بود.

تاجیک‌ها در دوران حکومت شوروی، دو مرحله تغییر الفبا از الفبای اسلامی یا به‌گفته خود تاجیک‌ها الفبای نیاکان به لاتین (۱۹۲۹م) و از لاتین به سیریلیک (۱۹۴۰م) را پشت سر گذاشتند. پیامدهای ناشی از تسلط روسیه تزاری به بخش‌های بزرگی از ماوراءالنهر و نفوذ در بخش به‌ظاهر مستقل مانده، یعنی امارت بخارا و مهم‌تر از همه، چیرگی نهایی نظام شوروی بر آسیای مرکزی (۱۹۲۴م) منجر به نابودی و یا استحاله نخبگان علمی و فرهنگی این دیار گردید. زبان و ادب فارسی که در کوران تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این دوران ورارودان و تحت تأثیر هیمنه امپراتوری سرخ به رنجه افتاده بود، در خاستگاه خود، بیش از پیش دچار فترت شد. مجموعه این عوامل، فرآیندی را پدید آورد که زبان فارسی در آن سامان از سیر طبیعی و نشاط و بالندگی بازماند.

از نیمه دوم قرن بیستم، مبارزات مردم تاجیک برای حفظ و تقویت زبان فارسی، با رهبری شعرا، ادبا و روشنفکران تاجیک به‌ثمر نشست و زبان فارسی تاجیکی، چندین سال قبل از استقلال تاجیکستان و در سال ۱۹۸۹ میلادی به‌عنوان زبان رسمی برگزیده شد.

از نکات جالب توجه مبارزات روشنفکرانه در ادوار تاریخی تاجیکستان، محوریت زبان مادری در آثار نواندیشان تاجیک است؛ «چرا که هم پان‌ترکیست‌ها، هم کمونیست‌ها و هم جنگ‌افروزان، پس از استقلال، تلاش می‌کردند زبان فارسی را یک زبان بیگانه در تاجیکستان قلمداد نمایند» (چهرقانی، ۱۳۹۹: ۹۶).

با توجه به رسمیت‌یافتن زبان فارسی در تاجیکستان و جایگزینی آن با زبان روسی، در بیشتر سطوح آموزشی در این کشور، تغییر الفبای سیریلیک به الفبای فارسی، همان‌گونه که غالب اندیشمندان تاجیک نیز اذعان دارند، برای نشاط علمی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی تاجیکستان امری ناگزیر به‌نظر می‌رسد. هرچند تغییر الفبای سیریلیک به فارسی، فرآیندی بلند

مدت بوده و برنامه‌ریزی دقیق علمی، فرهنگی، اجتماعی و هزینه‌های سنگین مالی را طلب می‌کند.

درون‌مایه‌های شعر لایق شیرعلی / توصیف طبیعت تاجیکستان

لایق در مجموعه خاک وطن، ضمن ابراز عشق به جای‌جای میهنش، کوهستان، رودها و سایر مناظر زیبای طبیعی کشورش را توصیف کرده است. «تاجیکستان سرزمین کوه‌های بلند، دره‌های پرپیچ و خم و رودخانه‌های وسیع و پرآب است. ارتفاعات تاجیکستان، سرچشمه تمام رودهای این سرزمین و رود مهم سیحون و جیحون، سیردریا و آمودریا هستند. رودهای پنج و خش در جنوب غربی، زرافشان در مرکز، کافر نهان، سرخاب و هم‌چنین تعدادی از سرشاخه‌های آمودریا و سیردریا مهم‌ترین رودهای تاجیکستان هستند» (احمدیان شالچی، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

به‌همین دلیل، توصیف رودخانه‌ها و به‌ویژه کوهستان، بسامد بسیار بالایی در شعر لایق دارد؛ تا جایی که خودش را فرزند کوهستان می‌داند:

پس از کوهسار از مادر خود بخوام هم‌چو طفل خامه رانش
(شیرعلی: ۴۰)

مادر در فرهنگ تاجیک‌ها، واژه‌ای مقدس است و لایق، در کنار وطن از کوهستان و زمین نیز به‌عنوان مادر یاد می‌کند.

زمین مادر خدای مطلق ما برای کودکان شب‌زنده‌دار است
(همان: ۴۰)

لایق بارها در شعرش به کوهستانی بودن تاجیکستان و کم بودن زمین اشاره می‌کند:

کھسار بود کشور تاجیک سراسر کوه از پس کوه است و یا سنگ پس سنگ
(همان: ۴۰)

و یا

تاجیکستان مظهر من سرزمین کم‌زمین
تو سراسر کوهساری تو سراسر سنگ‌زاری
(همان: ۴۰)

و با تعریض می‌گوید که تاجیک‌ها از جور و ظلم خون‌خوارانی همچون اسکندر و چنگیز و نزاع دین و مذهب، از ترس تهاجم ترک و عرب و بربر و باج و خراج بی‌اندازه به کوهستان پناه

برده‌اند.

اشعار تاریخی - ملی

یادآوری گذشته شکوهمند قوم تاجیک و ستم‌هایی که تاجیک‌ها در مسیر تاریخ از سر گذرانده‌اند، خاستگاه موضوعی شعرهای بسیاری است. تقریباً تمامی شاعران تاجیک، شعرهایی در این مورد سروده‌اند. در اشعار لایق شیرعلی هم به نمونه‌های درخشانی از این‌گونه اشعار برمی‌خوریم.

لایق از خاندان پادشاهی سامانیان که خود را وارث شاهنشاهان ساسانی می‌دانستند، با احترام فراوان یاد می‌کند. لایق، خاندان سامانیان را کسانی قلمداد می‌کند که تاریخ تاجیک‌ها را شکل دادند و نفس تازه در روحشان دمیدند؛ همچنین لایق از آل سامان به بوستانی در میان شوره‌زاران و پهلوانی در میان ناتوانان یاد می‌کند؛ چرا که این خاندان سامانیان بودند که فرهنگ و خلق‌وخوی ایرانی را در برابر خلفای قدرتمند عباسی حفظ کردند و با حمایت از علم و فرهنگ و ادب، مفاخری همچون رودکی و ابن‌سینا را به جهانیان معرفی کردند؛ اما دوران حکمرانی آنان را کوتاه و همچون ستاره‌ای از آسمان در محیطی لبریز از نور و تاریکی می‌داند؛ اگرچه، در همین زمان اندک، همچون آینه‌ای شدند تا قوم تاجیک، نشان و جهان خویش را در آن بیابد. «شعر آل سامان لایق شیرعلی بیشتر از آنکه مدیح آل سامان باشد، مرثیه‌ای در رثای هویت و شکوه از دست رفته است (ر.ک: شعر دوست، ۱۳۷۶: ۷۱).

«گوئیا یک نفس تاجیک را تاریخ داد آینه‌ای / تا در او ببند نشان خویشان را / تا در او یابد جهان خویشان را / لیک شادی کف شد و آینه از دستش فتاد / خویشان را هم ندید و دیگران را هم ندید» (شیرعلی: ۷۲).

جایگاه زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان مادری در شعر لایق

آسیای میانه، همواره نقش ویژه‌ای در شکل‌دادن به زبان و ادب فارسی و هویت بخشیدن به فارسی‌زبانان در حوزه تمدنی مشترک با ایران از آغاز پیدایش شعر و نثر فارسی داشته است. «آسیای مرکزی، هرچند تا سده پانزدهم میلادی با ایران دارای سرنوشت سیاسی و فرهنگی مشترک بود، از این تاریخ به بعد با تشکیل صفویه در ایران و شیبانیان در بخارا، از منظر جغرافیایی، مذهبی و سیاسی، سرنوشت مستقلی یافت. در نیمه دوم سده نوزدهم، امپراتوری روسیه، بخش بزرگی از این منطقه را به اشغال خود درآورد... این وضعیت تا ۱۹۲۴ میلادی

ادامه یافت؛ تا اینکه با تقسیم‌بندی‌های نوین در منطقه، پنج جمهوری مستقل تأسیس شد. با تأسیس این جمهوری‌ها که با شکل‌گیری هویت‌های بومی و تغییر هویت فارسی با تاجیکی (تغییر زبان فارسی به تاجیکی و تغییر خط فارسی به خط لاتین و بعد سیریلیک) همراه بود. روند دوری فارسی‌زبانان منطقه از میراث خود، بیشتر نمایان شد» (خدایار، ۱۳۹۸: ۲۴-۲۳).

بعد از انقلاب کمونیستی، رژیم شوروی از توسعه و گسترش زبان تاجیکی (فارسی) جلوگیری کرد. «مردم تاجیکستان حق نداشتند با خط فارسی بنویسند و اشعارشان را نیز ابتدا با خط لاتین و سپس سیریلیک می‌نوشتند. این مسئله بین آنان و کشورهای فارسی‌زبان دیگر فاصله انداخت؛ تا جایی که حتی بسیاری از مردم، کتاب‌هایی را که در خانه داشتند در میان دیوارها پنهان می‌کردند و روی آن را گچ می‌گرفتند. در برخی از شهرها و روستاها، کتاب‌ها را تا سی سال در زیر خاک و لای دیوار نگه داشتند و تنها هنگامی که وحشت حکومت استالین، فروکش کرد، این کتاب‌ها را بیرون آوردند» (جباری، ۱۳۸۲: ۲۸۴).

با این حال، تاجیک‌ها به‌علت سابقه طولانی ادبی و مقاومت دلیرانه ادبا و شعرای خود، با سرسختی ایستادگی کردند و مشعل فروزان شعر و ادب فارسی را روشن نگه داشتند. ملت تاجیک در چنین شرایطی که از هر جهت، تحت نفوذ و تأثیر روس‌ها بودند، مهم‌ترین دارایی خود را زبان فارسی می‌دانستند و با چنگ و دندان از آن پاسداری می‌کردند. چنان‌که آموزگار داستان آلفونس دوده در آخرین درس، ضمن سخنان خود گفته است: «وقتی ملتی مقهور می‌شود تا هنگامی که زبان خویش را خوب حفظ کند، گویی کلید زندانش را در دست دارد» (شعر دوست، ۱۳۸۲: ۴۰۸).

البته مقابله با زبان فارسی تاجیکی منحصر به روس‌ها نبود. در ابتدای قرن بیستم و ابتدای حکومت شوروی، تاجیکان هم‌زمان در مقابل دو جریان سیاسی و فرهنگی قرار گرفتند؛ یکی از این جریان‌های قدرتمند، توسط پان‌ترکیست‌ها برضد زبان فارسی به‌وجود آمد که وجود تاجیکان و اقوام فارسی‌زبان و آسیای مرکزی را انکار می‌کردند و درصدد ترک‌سازی کامل منطقه بودند و برای رسیدن به مقصد نهایی خود می‌بایست زبان فارسی را در منطقه محدود می‌کردند. دیگری، جریانی بود که توسط روس‌ها و با ایجاد حکومت شوروی به‌وجود آمد. هرچند گاهی حکومت مسکو و پان‌ترکیست‌های منطقه در مقابل اقوام ایرانی، سیاست‌های مشترکی داشتند؛ اما حکومت مسکو برای ساختن انسان شوروی و کمونیستی و پیشبرد اهداف

فرهنگی و سیاسی خود، هرگونه اقدام ملی‌گرایی را سرکوب می‌کرد و در تقسیم‌بندی سال ۱۹۲۴، برخلاف میل ترکان، یک جمهوری به نام تاجیکستان تشکیل دادند. «هرچند تاجیکستان را از داشتن شهرهای هویت‌ساز و تاریخی‌اش مثل بخارا و سمرقند محروم کردند؛ اما همین اقدام، زبان فارسی تاجیکی را از خطر نابودی که توسط ترک‌ها پیگیری می‌شد، نجات داد» (بوند شهریاری، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

«از دهه پنجاه که خروشچوف به مبارزه با استالین‌ستایی برمی‌خیزد، فضای به نسبت خوبی برای رویکرد به موضوعات ملی و تاریخی به‌ویژه مسأله زبان مادری به وجود می‌آید؛ اما تفکر و تمایز میان تاجیکی و فارسی همچنان سایه افکنده است» (شعر دوست، ۱۳۸۲: ۷۸).

توجه به مسأله زبان مادری به شکل ویژه از دهه هفتاد میلادی مورد توجه ادبای تاجیک قرار گرفت. شاعران این دوره به مسئولیت اجتماعی خود برای پاسداری و شکوفایی زبان فارسی به-عنوان زبان مادری پی برده بودند. در همین دوران بود که چند شاعر جوان، وارد میدان شدند و مسیر تازه‌ای برای تاریخ زبان و فرهنگ خود برخلاف جریان موجود به وجود آوردند. این‌ها عبارتند از: مؤمن قناعت، بازار صابر و لایق شیرعلی.

لایق از کسانی که در برابر تهاجم فرهنگ بیگانه به زبان مادری پشت کرده‌اند، این‌گونه با خشم، سخن می‌گوید:

از تمام این و آن گم‌کردگان زشت‌روتر نیست در روی جهان
زانکه گم‌کرده زبان مادری حرف گوید با تو با چندین زبان
باک نی‌گر داوری گم‌کرده است یا امید سروری گم‌کرده است
زهر بادا شیر مادر بر کسی کو زبان مادری گم‌کرده است
(شیرعلی: ۷۹)

لایق، اهمیت زبان مادری را برابر با وطن می‌داند و این به علت پراکندگی مناطق تاجیک نشین در جمهوری‌های دیگر است و هیچ مرزی چون زبان و فرهنگ نمی‌تواند، مرز واقعی تاجیک‌ها را مشخص کند. لایق در شعرش، بزرگان علم و ادب پارسی را می‌ستاید. رودکی، پدر شعر فارسی و نام‌دارترین سخن‌سرای دربار امیران سامانی در بخارا بود که به شکل ویژه‌ای مورد ستایش لایق قرار گرفته است. از جمله کارهای رودکی به نظم‌کشیدن داستان‌های کلیله و دمنه بود که به دستور امیر نصر اول انجام گرفت. از دیگر سخنوران پارسی‌سرای دوران سامانی

که نام شماری از آنان در تذکره‌ها آمده است از جمله: ابوحفص سعیدی، شهید بلخی، خجسته سرخسی، ابوالمؤید بلخی، یوسف عروضی سمرقندی و... هستند که در شعر لایق از آن‌ها نام برده شده است.

۲۸۵

لایق اگرچه در شعرش بسیاری از بزرگان علم و ادب را ستوده است، اما از مفاخر فرهنگ و ادب ایران‌زمین، رودکی، فردوسی، ابن‌سینا و خیام بیشتر مورد توجه لایق بوده‌اند.

در مورد بوعلی سینا که بعضی از ترکان او را از خود می‌دانستند، می‌گوید: «بوعلی فرزند ما بود/ نام ما بود/ ننگ ما بود/ و به زبان طنز می‌گوید: مولوی را ترک می‌گویند/ ترک می‌نامند هم زردشت را/ از ایشان عجیب نیست/ که خدا را نیز روزی ترک می‌خوانند» (شیرعلی: ۷۵).

لایق شعر اعتراض را که خود می‌گوید، به تقلید از پابلو نرودا سروده است؛ در پاسخ به کسانی گفته که مدعی هستند، خلق تاجیک در گذشته بی‌سواد بوده است و می‌گوید: تو بی‌سوادی یا رودکی/ یا فردوسی/ تو بی‌سوادی یا سینا، یا خیام، یا حافظ، یا سعدی، یا رومی، یا نظامی.

بزرگ‌ترین دل‌مشغولی لایق، همبستگی و هم‌دلی فارسی‌زبانان به‌ویژه در آسیای میانه و بازگشت به زبان مادری بود. او ایران، افغانستان و تاجیکستان را دارای ریشه‌های مشترک می‌دانست و به دنبال وحدت این سه درخت هم‌ریشه بود. از نظر لایق، زبان فارسی‌زبانی انسان‌ساز است.

بشنوم از هر دری شعر دری از جهان‌آرایمی و آدم گری
(شیرعلی: ۷۹)

لایق و شاهنامه

شعر معاصر تاجیک، متأثر از شعر کلاسیک فارسی و شعر معاصر ایران می‌باشد. «عشق و علاقه شاعران تاجیک به شاهنامه حکیم توس، باعث شده است، بعضی از آن‌ها اشعاری با الهام از شاهنامه بسرایند. لایق شیرعلی از جمله شاعرانی است که در شعرهای پیوسته «الهام از شاهنامه» به بازسرای پاره‌هایی از شاهنامه و تلفیق آن‌ها با مضامین امروزی پرداخته است. مجموعه «مرد راه او» از این نظر که در آن از ده شعر شاهنامه فردوسی الهام گرفته شده (همچون روح رخس، غرور رستم و غیره) شایان توجه است» (صالحی، ۱۳۹۱: ۲۲).

یکی از جلوه‌های نوآیین رجوع فرهیختگان تاجیک به وطن در دوره استقلال، بازسازی وطن

فرهنگی در حریم «شاهنامه» حکیم فردوسی بود. «فردوسی و اثر تاریخ سازش، هیچ‌گاه از زندگی مردمان گونه‌گون نژاد تاجیک بیرون نرفته بود، اما بازسازی وطن در شاهنامه موضوعی بود که گلرخسار صفی آوا برای نخستین بار در تاریخ شعر تاجیک به آن دست یازید. این جریان شعری که در میان فرهیختگان تاجیک، هواداران فراوانی دارد، ریشه در اندیشه‌های لایق شیرعلی داشت که در دهه هفتاد با سرودن سلسله شعرهایی با نام «الهام از شاهنامه» شعر تاجیک را پس از مؤمن قناعت با سرچشمه‌های تاریخی و فرهنگی‌اش بیش از پیش آشتی داده بود» (خدایار، ۱۳۹۸: ۵۴).

شاهنامه که سند هویت ملی فارسی‌زبانان است، جایگاه ویژه در قلب و قلم لایق شیرعلی دارد و او با سرودن مجموعه شعر الهام از شاهنامه از فردوسی و کتاب تاریخ‌سازش سپاسگزاری کرده است. «این اثر گران‌قدر از زندگی مردمانی مایه گرفته است که در غبار ناملایمات روزگار، نام و پیشینه و فرهنگ و غرورشان در آستانه نابودی بود و فردوسی، ایران و ایرانی و زبان پارسی را از آن پیچ دهشتناک تاریخی به حمیتی بی‌همتا با تمامی دشواری‌هایش گذر داد (ر.ک: نبی، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

لایق، تاجیک‌ها را از ریشه ایران بزرگ و کهن‌سال می‌داند. ستایش و افتخار به شاهنامه و آفریننده آن و قهرمانانش را ستایش مردم تاجیک نیز می‌داند. فردوسی، رستم، رخس، کاوه، سهراب، تهمینه و ... قهرمانان جاودانه لایق هستند. منشأ خودشناسی لایق از تمدن پرشکوه گذشته است. از مبارزه اهورامزدا با اهریمن، شورش کاوه در برابر ضحاک و ... این‌گونه است که در پندار شاعرانه او، هنوز کاوه زنده است و در سراسر دنیا با بیداد و ستم که بازمانده اهریمن و ضحاک است، مبارزه می‌کند و خون‌بهای فرزندان خود را از ستمگران می‌ستاند. کاوه، اکنون فقط کاوه فردوسی نیست؛ بلکه نماد کین‌خواهی و عصیان ستم‌دیدگان همه دنیا است.

کاوه زنده است و نخواهد مردن جان خود را از قضا برهاند
تا ز ضحاک همه دور زمان کین هفده پسرش بستاند

(شیرعلی: ۲۷۷)

قهرمانان لایق در شاهنامه، دارای روح و اراده پولادین هستند. رستم، پهلوان بلندآوازه که نگهبان ایران‌زمین و تاج‌بخش شاهان است، محبوب‌ترین قهرمان است. لایق، رستم را الگوی خودشناسی، بیداری و افتخار مردمش می‌داند. رستم در شعر لایق، مبارز راه آزادی مردم،

نیک‌بختی و برابری است. او پیوسته با زشتی‌ها و پلیدی‌ها می‌جنگد و برای سربلندی ایرانیان می‌کوشد.

من گردن عداوت شیطان شکسته‌ام من مهره سیاست شاهان شکسته‌ام
(همان: ۲۷۹)

لایق، همچنین مهری بی‌پایان به ایران داشت و شعری زیبا در وصف این عشق جاودان سروده بود. این شعر با نام ریشه من، اصل من، ایران من در کتاب فریاد بی‌فریادرس به چاپ رسیده است.

ریشه من، منشأ اجداد من اصل من، ایران من، بنیاد من
جان ما چون رشته دو بافت است بافت من، تار و پود یاد من
گر نباشی سینه من می‌درد دشمن ایمان من، جلاد من
(شیرعلی: ۲۹۰)

انتقاد از عقب‌ماندگی و فقر فرهنگی و فکری

عشق و دلدادگی لایق به میهنش، موجب نشد که چشم بر حقایق ببندد و فقر فرهنگی، خرافات و نابسامانی‌هایی را که در کشورش هست، نبیند و درصدد زدودن گرد جهالت و بی‌سوادی از چهره میهنش نباشد. البته فقر و عقب‌ماندگی فرهنگی و اجتماعی تاجیکستان، ریشه در تاریخ این بخش از آسیای میانه دارد. «در طول قرن‌ها از تاریخ ماوراءالنهر، این سرزمین هیچ‌گاه به اندازه قرن هجدهم و نوزدهم به عقب‌ماندگی و فترت گرفتار نبود. وضع فرهنگی و علمی آسیای میانه با آن همه پیشینه غنی به حدی تنزل یافت که سیاح مجاری آرمینیوس وامبری، مردمان مسلمان آسیای میانه را قومی وحشی و محتاج تربیت از جانب روسیه و انگلستان شمرد و از این‌که روسیه، هزینه تمدن کردن مردمان این مناطق را بر عهده گرفت، از دولت انگلستان سپاسگزاری از روسیه را خواستار شد» (بوند شهریاری، ۱۳۹۶: ۱۸).

تصویری که لایق نشان می‌دهد، جامعه‌ای بیمار با فرهنگ علیل و مردمان بی‌سواد و دردمند است. رواج مواد مخدر در میان مردم، بیکاری و تنبلی ملت، اشتغال بزرگان مملکت به تجمل‌پرستی و القاب بزرگ به جای انجام خدمت از مسائلی است که لایق به آن پرداخته است؛ چنان‌که در یکی از غزل‌هایش به برخی از مسائل و مشکلات جامعه پرداخته است.

عده‌ای است کف بر لب، کینه‌توز و پرخاشی عده‌ای ملنگ و منگ، نشئه مند و خشخاشی

دسته‌ای است دعاگر، دسته ایست یغماگر در زمین زند آتش، گر تو دانه‌ای باشی
این یکی است پرخواره، دیگری ست بدکاره مادری جگر بریان، او به فکر عیاشی
(شیرعلی: ۲۹۰)

لایق از این وضعیّت، لب به شکایت می‌گشاید، اما شکوائیه او فرا شخصی است؛ یعنی او شکوه‌های خود را از زبان مردمان فرودست که یارای اعتراض ندارند، می‌گوید. او عیوب فاسدان را برمی‌شمارد و افسوس می‌خورد که چرا میهن و ملت به چنین کسان نالایقی سپرده شده است؛ چرا که وجدان او بیدار و ضمیرش آگاه است و روا نمی‌داند که فساد اداری و حکومتی را ببیند و در مقابل آن‌ها خاموش باشد. او چون شاعری متعهد و حساس است و با حمیّت تمام نسبت به اصلاح امور قیام می‌کند. اشعار انتقادی شاعر در این دوره، بسیار تند و صریح هستند و چاشنی اعتراض در آن‌ها کاملاً احساس می‌شود.

دعوت به آشتی ملّی و اتّحاد

رویدادهای سال‌های دهه ۹۰ میلادی و آغاز جنگ داخلی در تاجیکستان، موسوم به جنگ شهروندی، تأثیر بسیار عمیقی بر لایق گذاشت. اشعار این دوره وی، سراسر، لبریز حسرت و درد است. او از خواری و افتادگی ملت تاجیک، تأسف می‌خورد و سعی دارد تا مردم را آگاه و بیدار سازد و آن‌ها را به وحدت و برادری دعوت کند تا دوباره دست در دست هم دهند و با هم، وطن ویران خود را آباد کنند. او عامل این بدبختی‌ها را نبودن یک رهبر مقتدر و دلسوز می‌داند.

چون نبود بر مردمان سرور و سردار بزرگ برف و باران بلا ریخت به فرق سر خلق
(شیرعلی: ۲۷۹)

لایق در عین اوج جنگ شهروندی ماه دسامبر سال ۱۹۹۴، در خطابه التّجا از کمان مردان اظهار آمادگی کرده بود که به‌خاطر در امان ماندن ملت و وطنش، خود را قربان بسازد. «وی از کمانداران التّجا کرده است که تمام تیرهای تیردانشان را به قلب او، به جان او فرو ریزند؛ ولیکن جان مردم در امان باشد» (شیرعلی، ۱۳۸۲: ۳۴).

مضامین سیاسی - اجتماعی

لایق در مقوله وطن و وطن‌دوستی در بند تعلق به سرزمین مادری خود نمانده و بسیاری از آن فراتر رفته است. بهروزی و نیک‌بختی مردم میهنش را در گرو سعادت همه مردم جهان

می‌بیند. اندیشه‌های جهان‌وطنی لایق، ریشه‌های عمیق انسان‌دوستانه و نیز عشق به زمین و همهٔ مظاهر طبیعت دارد. از نظر لایق، برای این‌که همهٔ انسان‌های روی زمین در صلح و آرامش و برابری زندگی کنند، نخست باید خودشان را به‌خوبی بشناسند. مقدمهٔ هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و نوع‌دوستی، آگاهی و خویش‌شناسی است و لایق نیز می‌خواهد با شعر خود، سهمی در آن داشته باشد.

لایق خود می‌گوید: «اگر ما درد ملّتی را گوییم و خوشبختی آن را خواهیم، کامل نیستیم؛ چون‌که انسانیت از مدّ نظر ما دور می‌ماند؛ ولی اگر بخواهیم که ملّت را همچون یک جزء انسانیت، خوشبخت ببینیم، این چیز دیگر است» (شیرعلی، ۱۳۸۲: ۳۰).

با اندک توجهی به اشعار لایق که در پیوند با وطن بزرگ سوسیالیستی سروده شده است، می‌توان به این نکته پی برد که در مواردی اندک، از حزب کمونیست و برنامه‌های آن، دفاع کرده و در بسیاری موارد نیز برنامه‌های حزب و حتی رهبران آن، به‌ویژه استالین را مورد نقد قرار داده است. لایق در قصیدهٔ ملیون می‌گوید که زمین‌های تاجیکان، بین اقطاع‌داران و مالکان دست به دست می‌شده و دهقانان تاجیک حتی مشت خاکی از آن بهره نداشتند؛ تا اینکه به لطف انقلاب کمونیستی، بخشی از این منطقهٔ آسیای مرکزی به نام مردم تاجیک نام‌گذاری می‌شود و زمین‌ها بین دهقانان تقسیم می‌شود.

زمین مادر بود و بودند کوتاه‌دست فرزندان زمین اعجاز دست کامونیستان را نمی‌دانست (شیرعلی: ۲۷۹)

ژوزف استالین، یکی از مهم‌ترین رهبران اتحاد جماهیر شوروی و ملقب به مرد پولادین بود که از اواسط دههٔ بیست تا زمان مرگش در ۱۹۵۳ رهبر عملی کمونیست بود. ابوالقاسم لاهوتی، شعری در وصف استالین دارد که این‌گونه آغاز می‌شود:

ستالین گویم و رانم زمین را زمین تابع شود، من بینم این را (لاهوئی، ۱۳۸۴: ۹)

و لایق نیز شعری کنایه‌آمیز به نام استالین در جواب لاهوتی سروده است و چنین می‌آغازد: ستالین گفتم و راندم زمین را زمین بیچاره بود بیچاره‌تر شد (شیرعلی: ۲۳۷)

به نظر می‌رسد لایق با اندیشه‌های سوسیالیستی و مارکسیستی که حق مالکیت خصوصی را

به رسمیت نمی‌شناسند، تضاد داشته است. «مکاتب سوسیالیستی، بسیار گوناگون هستند؛ اما مهم‌ترین آن‌ها مکتب مارکسیسم است که در قرن نوزدهم در آلمان و انگلستان رواج یافت. مارکسیسم، یک جهان‌بینی فلسفی است و نظریه‌ای است، درباره طبیعت و جامعه که بر پایه فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک بنا شد و از سوی دیگر نظریه‌ای مادی و دیالکتیکی در مورد جامعه می‌باشد؛ یعنی بر مبنای این اندیشه طبیعت یا هستی یا جهان مادی (ماده) به صورت واقعیت خارجی، قبل از فکر و ادراک انسان‌ها که واقعیت ذهنی است، وجود دارد؛ در حالی که فکر و ادراک، انعکاس جهان مادی است؛ نتیجه این می‌شود که زندگی یا وجود مادی جامعه، عنصر اول و مقدم است و حیات فکری و عقلی، عنصری وابسته است» (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۱).

همین تضاد با اندیشه‌های مارکسیستی، موجب شد که لایق با جسارت تمام در آن دوران که گفتن هر نوع مضمون و سخن، می‌بایست در چارچوب سیاست‌های کلی نظام شوروی و زیر سانسور صورت بگیرد، مفاهیم دینی هم‌چون خدا، قرآن، محمد، رسول، نماز، روزه و ... را وارد شعر تاجیک کرد و ترسی از این‌که اندیشه‌هایش مورد پسند سردمداران وقت قرار نگیرد، نداشت.

لایق در سال ۱۹۹۱ شعری با عنوان **منبر کمونیسم** سروده و در این شعر به بعضی از دلایل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اشاره کرده است؛ از جمله: تجربه نیاموختن از تاریخ، خودکامگی سران حزب کمونیست، توجه بیش از حد به رقابت با ایالات متحده به‌ویژه در زمینه تسخیر فضا، دخالت در امور دینی به‌ویژه در جمهوری‌های مسلمان‌نشین و رواج الحاد و بی‌دینی و ...

پُر سبق آموختی تاریخ را هیچ از تاریخ ناموختی سبق
یگه تاز و یگه زار و یگه خوار آسمان جوی زمین نیری، دریغ
روی عالم را گرفتگی گوئیا روی آدم را ندیدی کوروار
(لاهوئی: ۲۴۲)

لایق، اتحاد جماهیر شوروی را به معنای واقعی وطن خود نمی‌دانست و همواره بر حفظ استقلال ملی، مذهبی، زبانی و قومی تاجیکستان تأکید می‌ورزید.

نتیجه‌گیری

لایق شیرعلی به‌عنوان شاعر ملی تاجیکستان و زبان‌گویای ملت تاجیک با سرودن بهترین

اشعار میهنی هم‌چون خاک وطن و آل سامان، نقش پررنگ و برجسته‌ای در ایجاد روحیه میهن‌دوستی و اتحاد ملی در میان مردم تاجیکستان ایفا نمود. این نقش به‌ویژه در دوران جنگ‌های داخلی تاجیکستان، موسوم به جنگ‌های شهروندی، جلوه ویژه‌تری یافت.

لایق، گذشته باشکوه تاجیکستان را به مردم کشورش یادآوری کرد و آنان را با بزرگانی همچون امیران سامانی، رودکی، ابن سینا و ... آشنا کرد. او بر لزوم حفظ زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری تأکید کرد و همچنین از شرایط نامطلوب زبان فارسی تاجیکی در کشور، از بی‌عدالتی‌های دوران دیکتاتوری استالین و غارت و تجاوز بیگانگان به سرزمین تاجیک‌ها گفت و از عقب‌ماندگی فرهنگی، فکری، سیاسی و اجتماعی مردم کشورش انتقاد کرد. لایق اما نیک‌بختی ملت خود را جدا از بهروزی سایر ملل دنیا نمی‌دانست و خواهان رشد و تعالی همه ملت‌ها در کنار ملت خودش بود. انسانیت و نوع‌دوستی، آرمان لایق بود و از نظر او رسیدن به این آرمان، مقدور نخواهد بود، مگر این‌که هر شخصی به ارزش‌های انسانی خودش پی برده باشد و برای پی بردن به ارزش‌های خود، گام نخست، خودشناسی و خودآگاهی است.

پی‌نوشت

۱. لیگ جوانان کمونیست متحد پیرو لنینیسم.

منابع

کتاب‌ها

آجودانی، ماشالله (۱۳۸۳) *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.

احمدیان شالچی، نسرین (۱۳۸۲) *دیوار آشنا*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

جباری، ولی (۱۳۸۲) *شیعیان تاجیکستان*، اخبار شیعیان، جلد ۶، قم: شیعه‌شناسی.

حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۸۰) *دیوان غزلیات*، تصحیح خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.

شعر دوست، علی‌اصغر (۱۳۷۶) *چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان*، تهران: الهدی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی.

شعر دوست، علی‌اصغر (۱۳۸۲) *چشم‌انداز شعر امروز تاجیکستان*، تهران: الهدی.

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) *ادوار شعر فارسی*، تهران: سخن.

شیرعلی، لایق (۱۳۸۳) کلیات اشعار لایق شیرعلی، تحت نظر مسعود قاسمی، بحرالدین علی یف و رامش شیرعلی، تهران: پژوهشگاه فارسی تاجیکی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ج. ا. ایران.

صالحی، سیدعلی (۱۳۹۱) فرستادگان روشنایی، تهران: حوزه هنری.
عینی، صدرالدین (۱۹۲۶) نمونه ادبیات تاجیک، مجموعه نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی، مسکو.

لاهوئی، ابوالقاسم (۱۳۸۴) دیوان اشعار، تصحیح بهروز مشیری، تهران: توکا.
مهرداد مجیب، ذبیح‌الله بهروز (۱۳۹۰) زنگوله زنان گذشت باران، کابل، آرمان‌شهر.
ناصیف، امیل (۱۹۹۲) اروع ما قیل فی الوطنیات، بیروت: دارالجیل.
نجاتی، غلامرضا (۱۳۵۱) جنبش‌های ملی مصر از محمدعلی تا جمال عبدالناصر، تهران: سهامی انتشار.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۴) چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر ایران)، تهران: جامی.

مقالات

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹) تلقی قدما از وطن. النبا، (۲)۱، ۱-۲۶.
بوند شهریاری، علی‌اصغر. (۱۳۸۶). رابطه‌های ادبی ایران و تاجیکستان و تأثیر آن بر شعر نو تاجیکستان. پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۴(۵۴)، ۱۱۹-۱۳۷.
بوند شهریاری، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). جنبش معارف‌پروری در آسیای میانه و تأثیر آن بر ادبیات تاجیک. نامه فرهنگستان، ۲۲(۶۲)، ۱۷-۳۵.
تفضلی، فریدون. (۱۳۹۷). دوران اعتراض و آشوب‌های اجتماعی همراه با تحولات شگرف اجتماعی در تاریخ علم اقتصاد. پژوهش‌نامه اقتصاد، ۸(۲۹)، ۱۵-۴۸.
چهرقانی، رضا. (۱۳۹۹). زبان و ادب فارسی، بستر نواندیشی و تجدد در تاجیکستان. مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، ۲(۲)، ۶۱-۹۴.

خدایار، ابراهیم. (۱۳۹۷). دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال (۱۸۷۰-۲۰۱۵م). نقد و نظریه ادبی، ۳(۱)، ۲۱-۴۵. doi: 10.22124/naqd.2019.3263

خدایار، ابراهیم. (۱۳۹۸ الف). تحوّل مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معارف‌پروری تا استقلال و خودآگاهی ملی. متن‌پژوهی ادبی، ۲۳(۸۲)، ۳۵-۶۰. doi: 10.22054/ltr.2019.3608
8.2434

خدایار، ابراهیم. (۱۳۹۸ب). تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری بانوی تاجیک، گلرخسار صفی آوا. شعر پژوهی (بوستان ادب)، ۱۱(۴)، ۴۷-۷۰. doi: 10.22099/jba.2019.30.530.3123

یزدانی، حسین، محمدی بدر، نرگس، علی اکبرزاده، مرجان. (۱۳۹۸). تحوّل مضمون «عشق به وطن» در شعر معاصر تاجیکستان. بهار ادب، ۱۲(۳)، ۳۷۹-۳۹۷.

نبئی، مینا، فهیمی، رضا. (۱۳۹۹). ارتباط موثر؛ مهارتی سرنوشت‌ساز در شاهنامه. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۲(۴۶)، ۱۰۳-۱۲۸. doi: 10.30495/dk.2020.679.751

Reference

Books

Ahmadian Shalchi, Nasrin (2003) *Diar Ashna*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.

Ajouddani, Mashallah (2005) *Iranian Constitution*, Tehran: Akhtaran.

Eini, Sadr al-Din (1926) *Sample of Tajik Literature, Collection of Central Publications of the People of the USSR*, Moscow.

Hafez Shirazi, Khajeh Shamsuddin Mohammad (2001) *Divan Ghazaliyat*, Tehran: Safi Alisha.

Jabbari, Wali (2003) *Shiites of Tajikistan*, Shiite News, Vol. 6, Qom: Shiite Studies.

Lahouti, Abolghasem (2005) *Poetry Divan*, edited by Behrouz Moshiri, Tehran: Touka.

Mehrdad Mujib, Zabihullah Behrooz (2011) *Women Ring the Rain*, Armanshahr, Kabul.

Naseef, Emil (1992) *Aroo Ma Qil Fi Al-Wataniyat*, Beirut: Dar Al-Jil.

Nejati, Gholamreza (1971) *Egyptian National Movements from Mohammad Ali to Gamal Abdel Nasser*, Tehran: Joint Stock Publishing.

Salehi, Seyed Ali (2012) *Envoys of Lighting*, Tehran: Hozeh Honari.

Shafii Kodkani, Mohammad Reza (2001) *Persian Poetry Periods*, Tehran: Sokhan.

Sheerdest, Ali Asghar (1998) *The Perspective of Contemporary Tajik Poetry*, Tehran: Al-Huda; Ministry of Culture and Islamic Guidance, Research Deputy.

Sheerdest, Ali Asghar (2003) *The Perspective of Poetry in Tajikistan Today*, Tehran: Al-Huda.

Shir Ali, Layegh (2005) *All the poems of Layeq Shir Ali, under the supervision of Masoud Ghasemi, Bahr al-Din Aliyev and Ramesh Shir Ali*, Tehran: Tajik Persian Research Institute, Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs c. a. Iran.

Yahaghi, Mohammad Jafar (1996) *Chun Sabavi Tashneh (History of Contemporary Iranian Literature)*, Tehran: Jami.

Articles

Bund Shahriari, A. A. (2007). Literary relations between Iran and Tajikistan and its impact on modern Tajik poetry. *Humanities*, 14(54), 119-137.

Bund Shahriari, A. A. (2018). Education Movement in Central Asia and Its Impact on Tajik Literature. *Farhangistan Letter*, 22(62), 17-35.

Chahreghani, R. (2021). Persian language and literature, the bedrock of modernity and modernity in Tajikistan. *Institute of Humanities and Cultural Studies*, 2(2), 61-94.

Khodayar, E. (2018). The Periodization of Contemporary Tajik Poetry: From Enlightenment to Independence (1870-2015). *Literary Theory and Criticism*, 3(1), 21-45. doi: 10.22124/naqd.2019.3263.

Khodayar, E. (2019). The Evolution of Homeland's Concept in Tajik Contemporary Literature: From Acquaintance to Independence and National Self-consciousness. *Literary Text Research*, 23(82), 35-60. doi: 10.22054/ltr.2019.36088.2434.

Khodayar, E. (2020). Nostalgia in the Poetry of Gulrukhsor Safieva. *Poetry Studies (boostan Adab)*, 11(4), 47-70. doi: 10.22099/jba.2019.30530.3123.

Khodayar, I. (2019). Periodicization of Contemporary Tajik Poetry: From the Enlightenment to Independence. *Literary Criticism and Theory*, 3(1), 21-45. doi: 10.22124/naqd.2019.3263.

Nabaie, M., Fahimi, R. (2020). Effective communication, fateful skill in Shahnameh. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12(46), 103-128. doi: 10.30495/dk.2020.679751.

Shafii Kadkani, M. R. (2009). Ancient perception of the homeland. *Al-Faba*, 1(2), 1-26.

Tafazzoli, F. (2008). Periods of Social Protest and Riot along with Great Social Changes and Theoretical Contributions in History of Economic Thought (1850-1920). *Economics Research*, 8(29), 15-48.

Yazdani, H., Mohammadi Badr, N., Ali Akbarzadeh, M. (2020). Transformation of the theme of 'love of homeland' in contemporary Tajik poetry. *Bahar Adab*, 12(3), 379-397.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 55, Winter 2022, pp. 273-295

Date of receipt: 6/10/2021, Date of acceptance: 29/12/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1942025.2352](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1942025.2352)

Analysis of the Reflection of Patriotic Thoughts in the Poems of Loiq Sher-Ali

Korosh Jamshidi¹, Dr. Ali Asghar Bondshahriari², Dr. Morteza Haji Mazdarani³,
Dr. Amir Hossein Mahouzi⁴

Abstract

Patriotism is a phenomenon that has had a special impact on contemporary literature in the last century. Aref Qazvini and Farrokhi Yazdi are examples of contemporary poets whose patriotism has a special effect. Tajik poetry also needs to breathe new life of national pride and patriotism due to the invasion of foreign nations and years of communist rule in order to help the Tajik people maintain national unity and achieve development. Layeq Shir Ali is the national poet of Tajikistan and one of the most prominent figures of patriotic poetry, who has shown his love for his homeland in his poems. The present article uses a descriptive method with a content analysis approach to study the analysis of the reflection of patriotic ideas in the poems worthy of the patriotic poet Shir Ali. Various aspects of patriotism in worthy poetry include mentioning the glorious past of the Tajik people, the importance of Persian as a mother tongue, being influenced by the Shahnameh, calling for peace, and cosmopolitan ideas. Has examined worthy poems and has come to the conclusion that worthy patriotic thoughts have deep humanitarian roots. Worthy, he wants peace, progress, equality and peaceful coexistence of all nations of the world, and this ideal will be achieved when every human being realizes his own inherent values; Therefore, the need for world peace from the worthy point of view of Shir Ali is self-knowledge and individual self-awareness.

Keywords: Tajikistan, Analysis, Poetry Divan, Homeland, Layeq Shir Ali.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. jamsidi1349@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author) shahrirtpnu@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. mhaji1343@yahoo.com

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. ahmahouzi@yahoo.com